

شرق

افزایش شمار کودکان مبتلا به ویروس کرونا در پی رعایت‌نگردن پروتکل‌های بهداشتی در خانواده‌ها، عکس: سیدخلیل موسوی، مهر



پنجشنبه ۲۰ آذر ۱۳۹۹ و ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ ● ۱۰ دسامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم ● شماره ۳۸۸۶ ● ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۷ ● اذان مغرب ۱۷:۱۱

اذان صبح فردا ۵:۳۴ ● طلوع آفتاب ۷:۰۴

www.sharghdaily.ir

روزنامه‌فردا

نور نوشت

پرنده ابی

ما از مسئله نژادپرستی چه می‌دانیم؟

یک بار دیگر عرصه فوتبال درگیر پدیده نژادپرستی شد و شاید یکی از ماندگارترین تصاویر در زمینه مبارزه با این مسئله در ورزشگاه پارک ده پرنس پاریس ثبت شد. جایی که یوفا با همه ادعایش برای مبارزه با نژادپرستی روسیاه این عرصه شد و بازیکنان دو تیم باشاک شهیر و پاری‌سن‌ژرمن با رفتار درست و مناسبشان درس بزرگی به دنیا دادند. ماجرا از این قرار بود که در هفته پایانی دور گروهی رقابت‌های لیگ قهرمانان اروپا، دو تیم باشاک شهیر ترکیه و پاری‌سن‌ژرمن فرانسه در پاریس به مصاف هم رفتند. در دقیقه ۲۰ بازی پیره وبو، کمک مربی کامرونی باشاک شهیر با تصمیم داور از زمین اخراج می‌شود و مکالمه رادیویی داور چهارم با داور وسط درباره «پیره وبو» موجب اعتراض نیمکت باشاک شهیر شد. داور چهارم بازی در این مکالمه رادیویی «پیره وبو» را «اون سیباه» خطاب می‌کند. مسئله‌ای که موجب اعتراض بازیکنان و در نهایت نیمه‌کاره‌ماندن بازی می‌شود. ویدئوی معروفی از لحظات اعتراض بازیکنان منتشر شده که در آن «دمبا یا»، مهاجم سنگالی باشاک شهیر، به داور می‌گوید: «شما وقتی می‌خواهید یک بازیکن سفیدپوست را خطاب قرار دهید هیچ‌وقت نمی‌گویید «این فرد سفید» و فقط می‌گویید «این فرد». پس چرا وقتی به یک فرد سیاه‌پوست اشاره می‌کنید باید بگویید این فرد سیاه؟ واقعا من را این نمی‌فهمم». اعتراض‌ها و نیمه‌کاره‌ماندن بازی موجب شد تا نهایتاً «سباستین کالتسکیو»، داور چهارم بازی به اتاق VAR انتقال پیدا کند؛ اما این مسئله به‌هیچ‌وجه مورد پذیرش بازیکنان دو تیم نبود و به‌این‌ترتیب این بازی در پاریس نیمه‌کاره تمام شد. نکته مهم در این زمینه همراهی بازیکنان و مربی‌های تیم پاریسی با رقیبشان بود. میزان حساسیت آنها در برابر پدیده‌ای مانند نژادپرستی با تعریف و تمجیدهای فراوان کاربران توئیتری همراه شد. رویدادی که بی‌شک از آموزش درست و صحیح بازیکنان ناشی می‌شود. در جایگاهی که یوفا به‌عنوان برگزارکننده رقابت‌ها و مروج فرهنگ مبارزه با نژادپرستی هم استانداردهای پایین‌تری از بازیکنان و باشگاه‌ها دارد. شاید اتفاق چند شب پیش ورزشگاه پاریس بهانه خوبی باشد برای پرداختن به برخورد ما با پدیده نژادپرستی در ایران. در جایی که باشگاه فوتبالیش باید پسوند «فرهنگی-ورزشی» را حتما پیش از اسمشان داشته باشند اما نسبتشان با کارهای فرهنگی و آموزش‌دادن بازیکنان و هواداران چنان زیاد است که وقتی رویدادی نژادپرستانه در زمین فوتبال رخ می‌دهد، به‌جای محکوم‌کردن آن در جهت انکار آن تلاش می‌کنند. ماجرای که در جریان رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا برای پرسپولیس و عیسی آل‌کثیر رخ داد و واکنش باشگاه و هواداران و حتی برخی رسانه‌های ایران به‌خوبی نشان داد که چه میزان فاصله میان ما و استانداردهای موجود در این زمینه وجود دارد. با همین چند وقت پیش ویدئویی از بهاره رحمتا منتشر شد که در آن از الفاظ نامناسبی برای مردم قوم لر استفاده می‌کند که واکنش‌های زیادی را نیز به همراه داشت؛ مسئله‌ای که به‌وضوح سویه‌های نژادی در آن مشخص است اما نه از سوی یک بازیگر شناخته‌شده و نه از سوی عوامل برنامه قابل درک و تشخیص نیست که یک توهین نژادی در این میان رخ داده است. مسئله اینجاست که آموزش‌ها چنان در ایران در زمینه نژادپرستی پایین است که گاهی بسیاری از توهین‌های نژادی جزئی از فرهنگ گفتاری و رفتاری ماست و حساسیت عمومی به آن چنین پایین است که توقف بازی برای‌سن‌ژرمن و باشاک شهیر برای خیلی‌ها بی‌معناست.

روزها

حقوق بشر آرزوی دست‌نیافتنی

۷۲ سال از تصویب اعلامیه حقوق بشر می‌گذرد. اعلامیه جهانی حقوق بشر یا همان پیمان بین‌المللی که ضرورت آن بعد از جنگ جهانی دوم و زیرآگاه‌داشتن انسانیت کاملاً مشهود بود. این پیمان‌نامه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسید. در آن برای اولین‌بار حقوقی را که تمام انسان‌ها مستحق آن هستند، به‌صورت جهانی بیان کرد. اعلامیه‌ای ۳۰ ماده‌ای که حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی‌ای را که تمامی انسان‌ها در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند، مشخص کرده است. طبق این پیمان‌نامه تمام انبای بشر آزاد راده شده و در حرمت و حقوق باهم برابرند. عقلانیت و وجدان به آنها ارزانی شده و لازم است تا با یکدیگر عادلانه و برادرانه رفتار کنند. هر فردی سزاوار و محق به زندگی، آزادی و امنیت فردی است.

هیچ‌کس نباید در بردگی نگاه داشته شود.

هیچ‌کس نباید مورد شکنجه یا بی‌رحمی و آزار یا تحت مجازات غیرانسانی یا رفتاری قرار گیرد که منجر به تنزل مقام انسانی او شود.

همه در برابر قانون برابرند و همگان سزاوار آن‌اند تا بدون هیچ تبعیضی به‌طور برابر در پناه قانون باشند. هیچ‌کس نباید مورد توقیف، حبس یا تبعید خودسرانه قرار گیرد. هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی‌طرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزائی علیه او، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند.

شاید این حقوق به نظر خیلی ساده باشند اما به نظر می‌رسد اجرای آن اصلاً ساده نبوده است. ۷۲ سال می‌گذرد و هنوز در هر گوشه جهان اتفاقاتی غیرانسانی در حال وقوع است و نقض حقوق بشر به‌صورت گسترده رخ می‌دهد. نمونه آن هم زیاد است از مسموم‌شدن مخالفان در روسیه، زندانی‌شدن مسلمانان اوغیور در اردوگاه‌های چین، کشتارهایی که در آفریقا رخ می‌دهد و جنگ‌های داخلی و نسل‌کشی در روهینگیا یا چندی پیش در بوسنی وسط اروپا. دستگیری فعالان حقوق بشر در خاورمیانه و شاید یکی از بزرگ‌ترین اعتراضات علیه نژادپرستی -جنیش زندگی سیاهان مهم است- که منجر به سه ماه تظاهرات در آمریکا شد همه نشان‌دهنده آن است که بشر و نهادهای مسئول نتوانسته‌اند به اهداف خود برای تحقق حقوق بشر برسند. درست است که مدام بیانیه‌هایی تصادر می‌شود و قرار است که کنوانسیون‌ها و زیرمجموعه نیز تلاش‌هایی انجام دهند اما به نظر تلاش‌ها در حدی نیست که انتظار امنیت و آسایش برای بنی‌بشر فراهم شود. در هر گوشه دنیا اتفاق‌هایی در حال رخ‌دادن است؛ از کشته‌شدن و غرق‌شدن خانواده ایرانی در حال مهاجرت در مانش تا دستگیری و شکنجه زنان در دست طالبان یا باندهای موادمخدر در مکزیک و بچه‌کشی‌هایشان همه رخ

حقوق بشر یادآوری کند که دستیابی به حقوق بشر برای بسیاری آرزویی دست‌نیافتنی است.



اتفاق

یک بیماری ناشناخته در هند

بسیاری از کشورهای جهان با مشکلات مربوط به شیوع ویروس کرونا دست‌وپنجه نرم می‌کند. رسانه‌های محلی می‌گویند از مبتلایان به این بیماری جدید آزمایش کرونا گرفته‌اند و نتیجه آن منفی بوده است.

دولتی ایلورو گفته که بیماران به‌خصوص کودکان یک‌دفعه شروع می‌کنند به بالاآوردن و از سوزش چشم‌هایشان شکایت می‌کنند؛ درحالی‌که بعضی غش کرده و چندبار به حال تشنج افتاده‌ند. بسیاری از آنها که کارشان به بیمارستان کشیده، خیلی زود بهبود پیدا کرده و زود مرخص شده‌اند.

زنان

خشونت با کمک اقتدار کلمات!



رویا صدر

مصادقی از خشونت روانی است. این پدیده از سویی پیامد انتقال تفکر نسل به نسل جنس دومی از زن است و از سوی دیگر در غلبه درجیگی تفکرات سنتی در بافت قدرت سیاسی و تقویت نگاه فزوترانگار به زن میان برخی از لایه‌های قدرت ریشه دارد. این پدیده در فضای مجازی با نقد گفتمان‌های رسمی، خوشی پنهان نادیده‌گرفتن تابوها و هنجارگریزی آمیخته‌شده و ملغمه‌ای از اهانت‌های کلامی جنسیتی را ساخته که با همراهی بسیاری از زنان عمدتاً جوان‌تر با این موج هم توأم شده و گونه‌ای از خودزنی قرن بیست‌ویکمی را با خود به‌همراه آورده است! واقعیت آن است که زبان عامل مهمی در تغییر نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی نسبت به جنسیت است و از سوی دیگر شوخی دارای سازوکاری اجتماعی است که نشان‌دهنده نوعی خشم و پرخاشگری تغییر شکل یافته است. در واقع نوعی سازوکار دفاعی روانی موسوم به جابه‌جایی است که در آن عواطف خشن به عواطفی قابل‌تحمل تبدیل می‌شوند و به‌صورت نیابتی پشت شوخی پنهان می‌شوند، رنگ‌ولعابی دیگر پیدا می‌کنند، توسط آن ارضا می‌شوند و لذت می‌آفرینند؛ بنابراین جوک‌ها و شوخی‌های جنسیت‌زده را می‌توان وسیله‌هایی در جهت بازتولید خشونت و تعمیق شکاف‌های جنسیتی دانست. وقتی کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی در شوخی‌ها به‌طور مکرر به کار روند و در فضای فرهنگی و اجتماعی و خانوادگی بازتولید شوند، خودبه‌خود در مشروعیت‌بخشی به این تلقی‌ها نقش پیدا می‌کنند؛ چراکه به فرهنگ‌سازی و کلیشه‌سازی دست می‌زنند و به تشدید یا عادی‌سازی تبعیض‌های جنسیتی در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کمک می‌کنند. اینجاست که استفاده از عبارتی مثل: «کاز کنار یخچال» در برابر یک خانم زننده، یا یادکردن اهانت‌آمیز برخی بستگان نسبی یا سببی یک کاربر فضای مجازی می‌تواند مصداق خشونت جنسیتی و عامل تثبیت و تحکیم آن تلقی شود.

یادداشت

نقطه اتصال ۲ جریان

فرشید مقیمیان‌بروجنی

ایران‌زمین است. ساماندهی وکالت، بحث پرحاشیه‌ای است که در یک سال اخیر، در کشور مطرح شده است. از یک‌سو مجلس بیریق «ضدانحصار» به دست گرفته و با طرح‌های مختلف در پی کاهش الزامات تخصصی برای متقاضیان ورود به عرصه وکالت است و حد اعلای آن تلاش برای حذف آزمون متداول کانون وکلا است. در قوه قضائیه نیز، علم «ضدیت با فساد» افراشته شده و در پی تشدید نظارت بر بررسی ملک‌های عقیدتی داوطلبان وکالت است و حد اعلاي آن، بخش‌نامه اخیر معاون حقوقی قوه است. این دو جریان، هرچند به‌طور جداگانه، قوای مختلف کشور را مشغول خود کرده‌اند؛ ولی از لحاظ منطق نظام گزینش، قطعات مختلف یک پازل خواهند بود. یکی بر تضعیف بُعد علمی گزینش متمرکز شده است و دیگری گزینش غیرعلمی را تقویت می‌کند. نتیجه آنکه هر شخص اندکی حقوق خوانده یا کمی آشنا به علوم اسلامی مرتبط با فقه، بدون نیاز به صلاحیت به‌خوبی ارزیابی‌شده علمی، می‌تواند به وکالت اقدام کند؛ ولی از بین این اشخاص، احتمال است بسیاری حتی اگر به جد متخصص، به ادعاهای غیرعلمی رد صلاحیت شوند. نقطه اتصال این دو جریان مانند یک قیچی خواهد بود که می‌تواند» و «ممکن» است، متخصصان را از نهاد وکالت حذف کند.

روزگار کنروایی

امیدها ناامید می‌شود؟

ذرات آلوده به‌راحتی وارد بدنش می‌شود. به نظر می‌رسد با وجود تولید واکسن هنوز هم بهترین راه مراقبت استفاده از ماسک باشد. واکنش منفی بدن دو انگلیسی که واکسن ضدکرونا زدن، باعث جنجال شد. بدن دو نفر از تزریق‌کنندگان واکسن فایزر در انگلیس واکنش آلرژیک نشان داده است. بیمارشدن دو کارمند بهداشت و درمان انگلیس پس از تزریق واکسن ضدکروناي فایزر تأیید شد اما ظاهراً حالشان رو به بهبود است. ظاهراً این دو فرد واکنش آنافیلاتکوئید به واکسن پیدا کردند. به همین دلیل ناظران بهداشتی سریعاً توصیه کردند که افراد با زمینه آلرژیک از زدن واکسن فعلاً خودداری کنند. این اتفاق‌ها تنها ۲۴ ساعت از آغاز برنامه واکسیناسیون ملی در انگلیس جنجال‌برانگیز شد. آنافیلاکسی یا بیش‌دفاعی Anaphylaxis یک واکنش آلرژیک جدی است که به‌طور ناگهانی آغاز می‌شود و می‌تواند منجر به مرگ شود و به همین دلیل دلایل رگلاتور انگلیسی به مردم هشدار داد در صورت داشتن زمینه آلرژیک از زدن واکسن فعلاً خودداری کنند.

گزارش

بازشناسی میراث یک جامعه‌شناس

● در هفتمین همایش روز ملی علوم اجتماعی ایران که به گرمیداشت میراث علمی سه استاد فقید این حوزه غلامعباس توسلی، مهدی طالب و منوچهر آشتیانی می‌پرداخت، سارا شریعتی درباره شخصیت دکتر توسلی سخن گفت.

سارا شریعتی سخنرانی خود را با موضوع «بازشناسی میراث دکتر توسلی» آغاز و به میراث علمی این جامعه‌شناس اشاره کرد و ادامه داد: «نام دکتر توسلی با نظریه‌های جامعه‌شناسی پیوند خورده است. جامعه‌شناسی دین وامدار ایشان است و نخستین متن را درباره جامعه‌شناسی دین دکتر توسلی در دهه ۵۰ تدوین کرده است. او در این حوزه تأکیدش بر جامعه‌شناسی اسلام است. ترنر اشاره می‌کند در جامعه‌شناسی اسلام ما با کمبود منابع روبه‌رو هستیم و جامعه‌شناسی اسلام در جامعه‌شناسی عمومی حضور ندارد و در حوزه جامعه‌شناسی ما می‌بینیم اسلام مورد مطالعه قرار نگرفته و به دلیل نبود منابع ما کمتر به سمت این حوزه رفته‌ایم و در بیرون دانشگاه تنها روشنفکران و روزنامه‌نگاران به آن پرداخته‌اند.»

به گزارش اینا این استاد دانشگاه با اشاره به نقل قول شریعتی از تقوای پرهیز گفت: «در دهه‌های اخیر کارکردن در این حوزه سخت و خطرناک شده و افراد با بی‌احتیاطی ممکن است مورد تکفیر قرار گیرند و به همین دلیل جامعه‌شناسان می‌ترسند وارد این حوزه شوند. در کشورهای اسلامی و حتی ایران با وجود اختصاص بودجه‌های هفتک بازهم جامعه‌شناسی اسلام منابع و کتاب ندارد.»

شریعتی با تأکید براینکه توسلی خلاف این عمل نکرد و در حوزه جامعه‌شناسی دین روی جامعه‌شناسی اسلام تأکید کرد و در سه سطح به آن پرداخت، توضیح داد: «سطح نخست در حوزه آموزه‌های اسلام است که او از الگوی وبر تبعیت می‌کند و در کتاب جامعه‌شناسی دین نسبت سرمایه‌داری را با اسلام بررسی می‌کند و همچنین نسبت اسلام با دموکراسی را مورد توجه قرار می‌دهد. در سطح دوم ایشان جامعه‌شناسی کشورهای اسلامی و جنبش‌های اسلامی را بررسی می‌کند و در کتاب جامعه‌شناسی دین این موضوعات را مورد توجه قرار می‌دهد و نگاهي به تحولات کشورهای اسلامی دارد. در سطح سوم ایشان جامعه‌شناسان در کشورهای اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد و خوانش جامعه‌شناسی را از آثار شریعتی ارائه می‌کند.»

او با طرح این سؤال که اهمیت این میراث برای ما چیست؟ گفت: «توسلی در درون دانشگاه جزء نخستین چهره‌هایی است که میان مطالعات اسلامی و جامعه‌شناختی پیوند برقرار می‌کند. در کشورهای اروپایی و کشور، ما، این دو دپارتمان شکاف وجود دارد. در اروپا مطالعات اسلامی ذیل شرق‌شناسی قرار می‌گرفت و در اسلام مطالعات تاریخی مورد غفلت قرار می‌گرفت.»

شریعتی تأکید کرد: «وقتی مقاومت نسبت به جامعه‌شناسی دین وجود داشت ایشان سماجت می‌کند و بین این دو پیوند می‌زند. همچنین توسلی میان کار دانشگاهی و روشنفکری پیوند ایجاد می‌کند. متونی که در جامعه‌شناسی دینی می‌خوانیم بیشتر به روشنفکران برمی‌گردد چون آنها بیشتر به موضوعات روز می‌پردازند اما ایشان سعی می‌کند با رویکرد علمی مباحث روشنفکری را در دانشگاه مطرح کند. ایشان در کتاب جامعه‌شناسی دین به بنیادگرایی، دین عامه، تقرب و... می‌پردازد.» به گفته او، سومین اهمیت میراث توسلی برای ما رویکرد اصلاحی اوست. او به سنتی تعلق داشت که معتقد بود جامعه‌شناسی در خدمت اصلاح جامعه است و به این دلیل روی دین تمرکز کرد چون معتقد بود جامعه‌شناسی پادزهر هر نوع بنیادگرایی است. این راه را ایشان گشود و هموار کرد و سال‌ها بعد از انتشار این آثار ما به این میراث مراجعه و حتی آن را نقد می‌کنیم. این نشان می‌دهد این میراث زنده و محل رجوع است.

او با نقل خاطره‌ای از توسلی گفت: «طی سال‌هایی که در ایران بودم در جامعه‌شناسی دین کار کردم. همه می‌دانند این حوزه سخت و حساسی است و ما با مباحث خاصی در این حوزه روبه‌رو هستیم. در یکی از دیدارهایی که با ایشان داشتیم، از من پرسیدند چه می‌کنید؟ گفتم: هم متهم شدم هم گرفتار بوروکراسی. گفتند: این کارها یک‌ساله و دوساله نیست و نیاز به صبر و صبوری دارد. من گفتم: این توصیه جدیدی نیست؛ ما با صبوری آشناسیم و صبوری از بقای ماست و با همین صبوری‌ها بقا یاقیمم اما تاریخ سیاسی به ما می‌گوید وقتی صبر نکردیم منش تغییر شدیم مانند آنچه در دهه ۴۰ رخ داد. گفتند: این صبر با آن صبر فرق می‌کند!«.

شریعتی با بیان اینکه ورود ما به جامعه‌شناسی در دیالکتیک خشم و علم صورت گرفت، افزود: «ما به جامعه‌شناسی به‌عنوان علم راه‌یی بخش نگاه کردیم. دکتر توسلی بر دوگانه خشم و علم یک عنصر دیگر را اضافه کردند. ایشان با خشم آشنا بودند و همه کسانی که به این جامعه دغدغه داشتند، با این خشم به سراغ علم برای کنشگری رفتند اما ایشان علم را برای کنترل خشم انتخاب کرده بود و حرفه دانشمند راگزید. اما مرحله دیگری هم بر این دو اضافه کرد و آن صبوری بود.»